

امکانات و ظرفیت‌های ج.ا.ا برای ایجاد همگرایی در جهان اسلام با محوریت دیدگاه‌های امام خامنه‌ای^۱

عباسعلی مشکانی سبزواری^۲

چکیده

ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، مرحله نهائی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، ایجاد امت اسلامی، نیازمند وحدت و همدلی مسلمین منطقه و جهان است. براین اساس یکی از مهمترین کارویژه‌های مهم جمهوری اسلامی حرکت در مسیر گسترش فرهنگ تقریب و وحدت اسلامی و بسترسازی برای ایجاد امت اسلامی از این طریق است. پرسش کانونی در این میان این است که برای ایجاد امت اسلامی، چه باید کرد و راهکار دستیابی به آن چیست؟ مقاله حاضر تلاش می‌نماید پس از تبیین چیستی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز امت اسلامی و وحدت مسلمین، به تحلیل نسبت سه‌سویه این هر سه پرداخته و در نهایت ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی را در گرو ارائه «الگوی صحیح به جهان اسلام» می‌داند. به همین جهت در بخش پایانی مقاله، به اثبات ظرفیت‌های الگویی انقلاب اسلامی و ج.ا.ا برای جهان اسلام پرداخته است. این مقاله با روش تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، با محوریت دیدگاه‌ها و بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای سامان یافته است.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامی، همگرایی در جهان اسلام، امت اسلامی، فرآیند

تکاملی انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های ج.ا.ا

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۴

۲. دکتری فقه سیاسی - مدرس و عضو شورای علمی گروه فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام:



مقدمه:

آنچه ملتی را بر ملل دیگر و جامعه‌ای را از جوامع دیگر ممتاز می‌کند و موجب برتری آن بر ملل دیگر می‌شود «اتحاد و انسجام و همبستگی» است (پاشایی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز یکی از عوامل مهم انحطاط یک ملت و جامعه، این است که آن جامعه به گروه‌های کوچک تجزیه شده، انسجام و وحدت گروهی در آن از بین رفته باشد؛ که نتیجه آن چیزی جز نفوذ و سلطه استعمارگران نیست، که از طریق تقویت حس ناسیونالیستی و فرقه‌گرایی و با تبلیغ و پرورش تفاوت‌های مذهبی و... سعی در تجزیه جامعه و تبدیل آن به گروه‌های کوچک دارند (همان: ۱۶۸). به فرموده امام خمینی ره اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند (به صورت یک امت بودند)، معنا نداشت که قریب به یک میلیارد مسلمان زیر دست قدرت‌ها باشند. متأسفانه در عصر حاضر کشورهای اسلامی، تحت دکترین و نفوذ افکار و اندیشه غرب و عمال آنها، خود را به صورت یک ملت می‌نگرند، نه یک «امت»؛ و مسلمین دچار اختلاف و تشتت شده‌اند. هر کشور می‌خواهد به تنهایی و به صورت مجزا خود را در مقابل قدرت‌های بزرگ محافظت کند؛ بدون اینکه توانایی و قدرت آن را داشته باشد (مولانا، ۱۳۸۵: ۱۷). دشمنان اسلام، بویژه آمریکا، از دیرباز در کمین بوده‌اند تا وحدت میان مذاهب و کشورهای اسلامی از بین برود، تا از این طریق بتوانند افکار پلید خود را برای جلوگیری از تحقق یا پیشرفت امت اسلامی و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی به اجرا گذارند (ن.ک. امام خمینی، ۱۳۶۵، ۱۳۲: ۱۸) بنابراین از پرکاربردترین تکنیک‌های غرب برای جلوگیری از اتحاد امت اسلام و ایجاد دنیای یکپارچه اسلامی، تشدید اختلافات است (سعادت، ۱۳۹۰: ۲، ۲۷: ۲). در مقابل، انقلاب اسلامی ایران و رهبران فقیه آن، از روزهای آغازین انقلاب، راهبرد «وحدت مسلمین» را نصب‌العین خویش قرار داده، آن را عامل

قوت و قدرت پایدار و برتری مسلمین، و حرکت جامعه به سمت کمال و رشد قلمداد نمودند و تفرقه و تنازع را مهمترین عامل شکست درونی و بیرونی امت اسلامی و اضمحلال قدرت و شوکت مسلمین برشمردند.

اهمیت وحدت مسلمین، امت اسلامی و دنیای اسلام در نگاه رهبران انقلاب اسلامی، آنگاه جلوه‌گر می‌شود که ایشان آرمان نهائی و نقطه اوج انقلاب خویش را «ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام» دانسته و در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی ایران، در راستای دستیابی به امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، تلاش و برنامه‌ریزی می‌کنند. توضیح اینکه مقام معظم رهبری علیه‌السلام در فرآیند تکاملی که برای انقلاب اسلامی ترسیم فرموده‌اند، «ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی» را آخرین حلقه این فرآیند تکاملی قرار داده، گاه از آن، با همین عنوان یاد فرموده‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۹/۹/۷۵). در همین راستا ایشان وحدت اسلامی را ضرورتی انکار ناپذیر و از جمله اهداف بزرگ نظام اسلامی دانسته و کارشکنی در مسیر آن را ضربه به کل امت اسلامی قلمداد فرموده‌اند (همو، ۲۲/۲/۸۲). بدیهی است دستیابی به دنیای یکپارچه اسلامی و احیای امت اسلامی در گرو اتحاد و همدلی آحاد مسلمین جهان در مقیاس بین‌المللی و جهانی می‌باشد. علاوه اینکه انقلاب اسلامی - با توجه به تعدد مذاهب و فرهنگ‌های دینی در داخل کشور - در مقیاس ملی نیز در حلقات پیشین فرآیند تکاملی خویش، از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد کشور اسلامی، نیازمند وحدت و همدلی مسلمین (گروه‌های مختلف پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و پیروان مکتب خلفاء) می‌باشد.

پرسشی که مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ آن است از قرار ذیل است: برای ایجاد امت اسلامی و همگرایی در جهان اسلام، چه باید کرد و راهکار دستیابی به آن چیست؟ به نظر می‌رسد «ارائه الگوی صحیح کشور اسلامی به جهان اسلام» و تکثیر آن، مهمترین راهکار تشکیل امت اسلامی و زمینه‌ساز





همگرایی در جهان اسلام می‌باشد. بر همین اساس مقاله حاضر به تبیین فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی و دنیای اسلام در آن پرداخته، هدف نهائی خویش را تبیین نقش وحدت مسلمین در ایجاد دنیای اسلام و احیای امت اسلامی با محوریت دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دام‌ظله قرار داده است. همچنین ظرفیت‌های الگویی ج.ا.ا برای جهان اسلام، به عنوان پیش شرط اساسی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی توسط ج.ا.ا، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلیات و مفاهیم

امت اسلامی و دنیای اسلام

تعاریف مختلفی درباره امت اسلامی و دنیای اسلام در بیانات مقام معظم رهبری یافت می‌شود؛ از جمله: «دنیای اسلام یک مجموعه عظیم با مسائل مبتلا به و دردهای مشترک، با دشمنی‌های مشترک، با درمان‌ها و راه‌های علاج مشترک است. در حقیقت، مسائل و مشکلات عمده مسلمان‌ها، با همدیگر مشترک است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۱۲). در تعریفی دیگر با برقراری ارتباط میان دنیای اسلام و امت اسلامی، می‌فرمایند: «دنیای اسلام یک امت است، و رای ایرانی بودن، و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و و رای همه این‌ها و مانند آن، ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند» (همو، ۱۳۹۷/۲/۴). در تعریفی سوم، ایشان معتقدند: «دنیای اسلام، به یک مجموعه انسانی اطلاق می‌شود که اعتقاد به توحید خالص دارد، به نفی عبودیت غیر خدا می‌پردازد، به استقرار عدل و اخلاق در بین انسان‌ها دعوت و اقدام می‌کند» (همو، ۱۳۹۰/۱۰/۷۳). «امت اسلامی - آن‌چنان که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و تعالیم قرآن، طراح و برنامه‌ریز آن بوده‌اند - مجموعه‌ای از انسان‌ها هستند که از علم،

اخلاق، حکمت، روابط صحیح و اجتماع برخوردار از عدالت بهره‌مند و نتیجه همه اینها رسیدن انسان به اوج تکاملی است که استعداد آن را خدا در او قرار داده است (همو، ۸۳/۶۱۳). علیرغم تفاوت ظاهری در این تعاریف، در همه آنها وجوه مشترکی چون عقیده، آرمان، کتاب، پیامبر، قبله و... به چشم می‌خورد. پس می‌توان دنیای اسلام را «مجموعه انسان‌هایی که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اعظم اسلام ﷺ گرد آمده، در قالب امت اسلامی برای برقراری تمدن اسلامی و احیای کلمه حق قیام می‌کنند» دانست.

۱-۱- فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی

غالباً هر انقلابی از یک نقطه آغاز و با طی مراحل مختلف و فرآیندی مشخص و مدون در مسیر وصول به اهداف نهائی خود گام برمی‌دارد. انقلاب اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در حقیقت نقطه آغاز انقلاب اسلامی مردم ایران، قیام رسمی امام خمینی ره در سالهای ۴۱-۴۲ بود و تا امروز با طی مراحل و فرآیندی خاص در مسیر وصول به اهداف نهایی خود گام برداشته است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان در تبیین فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی دارند. گرچه نهان و ماهیت فرایندهای مطرح یکی است، اما دسته‌بندی‌ها و عنوان‌گذاری مراحل، مختلف و متعدد است. از میان فرآیندهای مطرح، سه فرآیند از شهرت و اعتبار بیشتری برخوردار است. در یک طرح فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی پنج مرحله دارد، در طرحی دیگر چهار مرحله و در طرح سوم اما، این فرآیند، سه مرحله را شامل می‌شود.

الف) فرآیند پنج مرحله‌ای:

فرآیند انقلاب اسلامی و مراحل تحقق آرمان‌های آن، تا دستیابی به الگوی جامع انقلاب و در نهایت تشکیل تمدن اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری در



فرآیندی پنج مرحله‌ای تبیین شده است. ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم فرمودند. «فرآیند تحقق انقلاب اسلامی همین طور، قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود... این فرآیند یک فرایند طولانی و البته دشوار است که انسان به طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود. اما تحقق آنها خیلی طولانی است» (مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۱۲).

۱/الف- مرحله ایجاد انقلاب اسلامی: بر این اساس مرحله اول از این فرآیند، پیروزی شکوهمند ملت ایران در مقابل رژیم منحوس پهلوی و «ایجاد انقلاب اسلامی» بوده است که هر چند کار بسیار مهم و پرهزینه‌ای بود، اما در مجموع نسبت به مراحل بعد جزو آسان‌ترین مراحل به شمار می‌رود: «قدم اول که پرهیجان‌ترین و پرسرو صداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی بود، لیکن این آسان‌ترین است. این انقلاب اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزش‌های معنوی آغاز شده است. یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌ها» (همو، ۷۹/۲/۲۳). «انقلاب بزرگ ما خصوصیتی مخصوص به خود داشت. این خصوصیات که بارها هم در تحلیل‌های ملت ما و آشنایان با انقلاب تکرار شده، اولین بار در یک انقلاب مشاهده می‌شد. تکیه به اسلام، هدف‌گیری ایجاد حکومت اسلامی، تجدید نظر در مفاهیم سیاسی عالم مثل آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و چیزهای دیگر و حرکت به سمت دنیا و جامعه‌ای که بر پایه ارزش‌های اسلامی بنا شده باشد» (همو، ۶۸/۳/۱۴).

۲/الف- مرحله ایجاد نظام اسلامی: مرحله دوم از فرآیند تحقق آرمان‌های اسلامی در بستر انقلاب، تاسیس نظام اسلامی می‌باشد. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته‌اند (همو، ۸۰/۹/۱۲). در حقیقت با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور

اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزش‌های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

۳/الف- مرحله ایجاد دولت اسلامی: اما مرحله سوم که مرحله‌ای حساس به شمار می‌رود و از دو قدم پیشین دشوارتر است، «ایجاد دولت اسلامی» است. «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولت‌مردان به گونه اسلامی است» (همو، ۷۹/۲۱). البته منظور از دولت در اینجا تنها به معنای هیئت دولت و وزیران نیست، بلکه مجموعه کارگزاران حکومت را در بر می‌گیرد.

۴/الف- مرحله ایجاد کشور اسلامی: پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تَأَلُّوُ و تشعشع نظام اسلامی خواهد بود. بدین معنا که کارویژه اصلی دولت اسلامی، «ایجاد کشور اسلامی» می‌باشد که خود مرحله چهارم فرآیند تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن وقت کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود، عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌المللی ارتقاء پیدا می‌کند، این می‌شود کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آنگاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه می‌شویم، **لتكونوا شهداء على الناس.**

۵/الف- مرحله ایجاد دنیای اسلام (امت اسلامی): اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آنگاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است» (همان). به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب،



«ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به امت اسلامی خواهد بود: «از این مرحله [کشور اسلامی] که عبور کنیم بعدش دنیای اسلام است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (همو، ۷۵/۹/۱۹) (ن.ک. مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲ ب)

ب) فرایند چهار مرحله‌ای:

در دیدگاهی دیگر، فرایند انقلاب اسلامی، در چهار مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرایند عبارتند از: ۱) ایجاد انقلاب سیاسی؛ ۲) ایجاد انقلاب فرهنگی؛ ۳) ایجاد انقلاب اقتصادی؛ ۴) ایجاد تمدن اسلامی.

۱/ب- مرحله انقلاب سیاسی: اولین مرحله در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی و نقطه آغاز آن، انقلاب سیاسی است. اصولاً هر انقلابی در مرحله اول سیاسی است. وقتی در جامعه‌ای انقلاب رخ می‌دهد، ابتدا انقلاب در ارزش‌ها واقع می‌شود و نظام و ساختار سیاسی جامعه پیشین از بین می‌رود و ادبیات جدیدی از ارزش‌ها، اهداف و تمایلات در آن جامعه مطرح می‌شود. این مرحله انقلاب در واقع سیاسی است. در مورد انقلاب اسلامی، می‌توان ادعا کرد که این مرحله به خوبی به انجام رسیده و سپری شده است. انقلاب سیاسی‌ای که امام خمینی ره پرچم‌دار آن بوده و ریشه در حرکت و تکامل جامعه شیعه داشت. انقلاب اسلامی ایران در مرحله اول یعنی انقلاب سیاسی موفق بوده و بر پایه آن نظام شاهنشاهی از بین رفت. به عبارت دیگر نه تنها در سطح ملی، ادبیات و ارزش‌های جامعه تغییر پیدا کرد، که در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز بعد سیاسی انقلاب عملکرد خوبی ارائه کرد. در حال حاضر در ادبیات سیاسی جهان تغییرات جدی مشاهده می‌شود، ورود واژگانی مانند ایشار و شهادت در مقابل واژگانی مانند استکبار و استضعاف، از ثمرات جهانی بعد سیاسی



انقلاب می‌باشد. جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی و غیر اسلامی در منطقه، الگو برداری شده از انقلاب سیاسی ایران اسلامی می‌باشد.

۲/ب- مرحله انقلاب فرهنگی: اگر انقلابی بعد از انقلاب سیاسی خود، اقدام به انقلاب فرهنگی نکند و یا پس از اقدام، موفق بدان نشود، از آن انقلاب، جز پرچم و سرودش چیزی باقی نمی‌ماند. اگر انقلاب سیاسی توانایی تبدیل به انقلاب فرهنگی را نداشته باشد، ارزش‌ها و اهداف آن انقلاب از بین می‌رود، لذا می‌توان گفت گام دوم انقلاب برای وصول به تمدن اسلامی، انقلاب فرهنگی است که به مراتب سخت‌تر از گام اول است. امام ره از سال ۴۲ انقلاب را شروع کرد و در سال ۵۷ با تلاش و کوشش خواص و عوام انقلاب به وقوع پیوست. انقلاب فرهنگی به معنای تولید فکر انقلاب، اندیشه و نرم‌افزاری است که انقلاب بر پایه آن شکل می‌گیرد و این نرم‌افزار مبنای و اهداف انقلاب را در عینیت جامعه جریان می‌بخشد، تحقق انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت.

انقلاب فرهنگی در ایران بلافاصله پس از پیروزی در انقلاب سیاسی شکل گرفت و همچنان در جریان است. با نگاهی کلان به افت و خیزهای انقلاب فرهنگی، در مجموع اقدامات خوبی صورت پذیرفته و ان‌شاء الله بهترین از این خواهد شد (ن.ک. جمالی، ۱۳۸۶، ص.۵).

۳/ب- مرحله انقلاب اقتصادی: چنانکه گذشت تحقق صحیح انقلاب فرهنگی، انقلاب اقتصادی را در پی خواهد داشت. انقلاب اقتصادی و واکاوی زیرساخت‌ها و بنیان‌ها و نظام اقتصادی و هماهنگ‌سازی آن با نظام اقتصادی اسلام، از اولی‌ترین نیازهای اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است. اقدامات صورت گرفته در چند سال اخیر در ایران اسلامی، مانند اجرای اصل ۱۴۴ و هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح سودهای بانکی و ... نشان از شروع





انقلاب اقتصادی در ایران است. با تعیین شعار سال جهاد اقتصادی، عملاً و علناً کلید انقلاب اقتصادی زده شد. رسیدن به اهداف انقلاب اقتصادی، زمینه وصول به تمدن اسلامی را بیش از پیش فراهم خواهد کرد.

۴/ب- مرحله ایجاد امت و تمدن اسلامی: مرحله نهائی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، وصول به امت اسلامی و در نتیجه، تمدن اسلامی است که هدف مهم نظام اسلامی نیز به شمار می‌رود (ن.ک. جعفرزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۵-۳۶).

نظام جمهوری اسلامی، که هدف خود را ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای ایجاد تمدن اسلامی و الهی تعریف کرده است، دو مقطع از مراحل فوق را پشت سر گذارده و هم‌اکنون در حال زمینه سازی و انجام مرحله سوم و چهارم از مراحل پروسه وصول به تمدن اسلامی می‌باشد.^۱

ج) فرایند سه مرحله‌ای:

در یک دیدگاه فرآیند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرفداران این طرح معتقدند انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی ره را، به سه مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱/ج- مرحله ایجاد انقلاب اسلامی: اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع و در سال ۵۷ به سرانجام رسید.

۲/ج- مرحله استقرار انقلاب اسلامی: مرحله دوم، یعنی استقرار انقلاب اسلامی، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل

۱. رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای ره، در این زمینه می‌فرمایند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم (سخنرانی در تاریخ: ۸۳/۸/۶)

دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. اهمیت و ویژگی این مرحله در آن است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله، وارد مرحله توسعه و حرکت از جمهوری اسلامی به سوی تمدن اسلامی می‌گردد. با توجه به موقعیت تثبیت شده جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد مرحله استقرار انقلاب اسلامی با موفقیت پشت سر نهاده شده است.

۳ج- مرحله توسعه انقلاب اسلامی: هم اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله توسعه انقلاب نهاده و بر اساس یک برنامه بلند مدت در صدد توسعه انقلاب اسلامی و صدور آن به جهان و ایجاد امت و دنیای اسلام می‌باشد. توسعه انقلاب اسلامی، به معنای فراگیری منطقه‌ای و بین‌المللی اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی و ایجاد امت و دنیای اسلام است. اهمیت این مرحله از آن جهت است که در صورت موفقیت در این دوره، انقلاب اسلامی، پای در انقلاب جهانی اسلامی و ایجاد امت اسلامی و در نتیجه وصول به تمدن جهانی اسلامی مبتنی بر نگرش جهانی خواهد گذارد (ن.ک. مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲ الف). گفتنی است فرآیندهای سه گانه پیش گفته، هر کدام از منظری به تبیین فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و چنانکه گذشت نهان و نهاد آنها با یکدیگر تفاوت چندانی نمی‌کند، اما در عنوان گذاری و نیز تقسیم‌بندی مراحل، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. آنچه در هر سه فرایند مشهود است، توجه به هدف والای انقلاب اسلامی در مسیر ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام و در نتیجه وصول به تمدن اسلامی می‌باشد. در هر سه فرایند، مرحله نهایی و آرمانی، وصول به امت اسلامی و در نتیجه ایجاد تمدن اسلامی قلمداد شده است. در جدول ذیل به تطبیق این سه فرآیند با یکدیگر و جایگاه ایجاد امت اسلامی در هر کدام پرداخته‌ایم:



مراحل انقلاب	فرآیند سه مرحله‌ای	فرآیند چهار مرحله‌ای	فرآیند پنج مرحله‌ای
مراحل ابتدائی	ایجاد انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب سیاسی	ایجاد انقلاب اسلامی
مراحل میانی	استقرار انقلاب اسلامی	ایجاد انقلاب فرهنگی + ایجاد انقلاب اقتصادی	ایجاد نظام اسلامی + ایجاد دولت اسلامی + ایجاد کشور اسلامی
مراحل نهائی	توسعه انقلاب اسلامی (ایجاد امت اسلامی)	ایجاد امت اسلامی و تمدن اسلامی	ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام

وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری دامت برکاته وحدت مسلمین را در دو معنای «اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی در مقابله با دشمن» و نیز «نزدیکی فرق اسلامی به همدیگر، ایجاد تفاهم و تبادل آراء مذهبی در راستای دستیابی به امت واحده اسلامی» به کار برده‌اند (ن.ک. همو، ۷۷۷/۲۴). نکته مهم در این بین این است که ایشان در بیان انواع وحدت مسلمین، آن را منحصر در همکاری و اتخاذ مواضع مشترک در میدان سیاست و جهاد و یا نزدیکی فرق اسلامی نمی‌دانند، بلکه به وحدتی فراتر از اتحاد در میدان سیاست و جهاد و نیز تقریب در عرصه اندیشه و فکر معتقدند که آن، وحدت در عرصه معنا، یعنی اتحاد دل‌ها و جان‌ها است (ن.ک. همو، ۸۱۷۱۰/۲۵).

ضرورت وحدت اسلامی

مقام معظم رهبری در مقاطع مختلفی، وحدت امت اسلامی را نیاز قطعی و ضرورت حیاتی امروز، شرط اساسی نجات مسلمین از چنگال نظام سلطه و همچنین علاج و داروی اصلی امروزی دنیای اسلام معرفی می‌نمایند و آن را

مهمترین مسئله، اولین الزام و ضرورت، اولویت ارجح دنیای اسلام شمرده، به تبیین نقش و جایگاه این امر در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی پرداخته‌اند. ایشان در تبیین ضرورت وحدت اسلامی می‌فرمایند: «مسئله وحدت یک مسئله حیاتی است. نه اینکه فقط برای جمهوری اسلامی حیاتی است - که البته در اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست - اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است» (سخنرانی در تاریخ: ۶/۵/۱۳۷۱). در بیانی دیگر با تأکید بر حیاتی بودن مسئله وحدت اسلامی می‌فرمایند: «امروز اتحاد بین مسلمین برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است، شوخی و شعار نیست، جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند» (۷۴/۵/۲۴). از نگاه مقام معظم رهبری، اولین شرط برای ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، رهایی از چنگال نظام سلطه است و این رهایی در گرو ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمین است: «تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان، شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه جهانی است» (۶۴/۴/۷). همچنین داروی اصلی برای وضعیت امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است: «علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است؛ باید با هم متحد بشوند» (۶۷/۱/۱۷).

فواید متعددی که بر وحدت اسلامی مترتب می‌شود در بیانات مختلف مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار گرفته است. حرکت به سمت عزت و بیداری مسلمین (۷۰/۳/۱۵) ظهور قدرت اسلامی (۸۵/۵/۳۰) احساس قدرت و عظمت (۸۰/۹/۲۵) عزیز شدن اسلام (۶۹/۴/۱۶) و بهره‌مندی امت اسلامی از عزت و اقتدار (۷۷/۱/۱۲) ایجاد حصن حصین در حیم کشورها و ملت‌های اسلامی (۶۹/۷/۱۱) کاستن ضربه پذیری دنیای اسلام) دچار وحشت شدن دشمنان اسلام (۶۷/۴/۱۲) عدم جرأت دشمن به تهدید و تشکیل پایگاه در دنیای اسلام (۶۹/۷/۱۱) قلم





بطلان کشیدن بر عقب ماندگی، مشکلات و ذلت‌های دنیای اسلام (۸۵/۱/۲۷) انتفاع نظام اسلامی (۸۶/۴/۱۴) رسیدن به مقام مطرح شدن ارزش‌های اسلامی به صورت ارزش‌های قطعی دنیا، جذب دل انسانها و تغییر در زندگی مسلمانان بر مبنای آن (۶۷/۴/۴) و مهمتر از همه اینکه ایجلد یک مجموعه عظیم متحد و تشکیل امت واحده اسلامی به عنوان بزرگترین پشتوانه جهان اسلام (۷۶/۶/۲۱) و اعتلای کلمه اسلام (۶۷/۷/۵) از جمله فواید مترتب بر وحدت اسلامی می‌باشد. آنچه تمامی این فواید را به هم پیوند می‌زند و در واقع روح حاکم بر تمامی آنها به شمار می‌رود، این است که تمامی این اهداف و فواید در راستای یک هدف برتر و متعالی‌تر قرار دارد که شاید بتوان آن هدف متعالی را «ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی» دانست که در بستر آن آحاد جامعه انسانی، به همه کمالات فردی و جمعی دست پیدا خواهند نمود (۷۰/۲/۲۶).

نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی

یکی از پرسش‌های اساسی این است که نقش وحدت مسلمین در ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی چیست؟ گرچه، با توجه به بداهت و اهمیت موضوع، تصور صحیح مسئله، پاسخ خود را به دنبال دارد، اما برای روشنتر شدن زوایای گوناگون مسئله از دیدگاه مقام معظم رهبری، مروری گذرا بر نقش وحدت اسلامی در ایجاد امت اسلامی خواهیم داشت. مقام معظم رهبری با بیانی ساده، بدیهی بودن نقش وحدت در ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام را به تصویر می‌کشند: «شما ملاحظه کنید امروز دنیا به سمت بلوک بندی می‌رود، یعنی هر چند کشور در گوشه‌یی، به ادنی مناسبتی با هم اتحاد و اتفاق پیدا می‌کنند. علت هم این است که در این دنیا می‌فهمند که هر واحدی، به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خودش از جمله نیاز به دفاع از

خود- نیست و باید با هم دست به یکی کنند» (۷۱۰/۵). دیدگاه‌های معظم‌له درباره نقش وحدت اسلامی را می‌توان در دو حوزه بیان کرد: نقش وحدت اسلامی در حوزه دفاع و مقابله با دشمن بیرونی و نقش وحدت در ایجاد دنیای اسلام و امت واحده اسلامی. در حوزه اول، ایشان وحدت را به عنوان عامل مقابله با تهدیدات دشمنان بیرونی (۷۵/۲/۴)، بزرگترین حربه ملت‌های اسلامی در مقابل نظام سلطه (۷۵/۵/۱۳)، بزرگترین سد در مقابل دشمن (۸۴/۲/۶) و رمز پیرزوی امت اسلامی (۸۲/۹/۵) می‌دانند. در حوزه دوم نیز، از مواردی همچون راه رشد و صلاح مسلمانان (۷۰/۱/۱۷)، راه رسیدن به مقاصدی همچون استقلال و سازندگی (۷۱/۲/۱۲)، برافراشته شدن پرچم اسلام (۸۳/۲/۱۸)، پیشرفت در عرصه‌های گوناگون (۸۲/۹/۵) سعادت و سربلندی مسلمانان (۷۵/۵/۱۳) یاد فرموده‌اند. همچنین علاوه بر موارد مذکور، بر نقش وحدت اسلامی در ادامه حیات (۸۳/۲/۱۸) و قوام بخشی امت اسلامی (۸۵/۶/۴)، پاس دارنده عزت و شوکت امت اسلامی (۷۳/۱۲/۱۱)، توانا ساختن امت اسلامی جهت دستیابی به عزت کامل و عمل به احکام الهی و پشتیبانی از دولت‌های اسلامی (۸۵/۱۰/۲۵) و در نهایت سوق دادن جوامع اسلامی به سوی شکل‌گیری دنیای یکپارچه و مقتدر اسلامی و امت واحده اسلامی اشاره می‌نمایند که در سایه آن نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر خواهد بود (۷۰/۳/۲۶).

معنای امت اسلامی و تعدد کشورها و دولت‌ها

برخی با القای برداشت‌های غلط و ناصواب از معنای تقریب و وحدت، به شبهه افکنی در مسیر وحدت مسلمین و ایجاد دنیای اسلام پرداخته، لازمه حرکت در این مسیر را حذف دولت‌ها و کشورهای اسلامی و ایجاد حکومت واحد اسلامی می‌دانند. مقام معظم رهبری در پاسخ به این



شبهه، ایجاد حکومت واحد اسلامی در عصر غیبت را امری غیر ممکن قلمداد فرموده، تنها آرزوی خویش را وحدت آحاد مسلمین جهان در قالب امت اسلامی و نه نفی کشورها و دولت‌ها عنوان نموده‌اند: «ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً واحد باشند، نه اینکه دولت‌ها و کشورها جود نداشته باشند، چنین چیزی علی‌الظاهر تا قبل از ظهور ولی عصر ارواحنا فدا نخواهد شد». (همو، ۷۱/۶/۲۲). در مقابل ایشان معتقدند اولاً: در عصر غیبت وجود کشورهای متعدد اسلامی امری طبیعی است. ثانیاً: راه حاکمیت اسلام در سایر کشورها یکی نیست و متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها، می‌توان الگوهای متفاوتی را بر اساس مبانی تعریف کرد و به عدد کشورهای اسلامی، تجربه حکومت اسلامی فرض کرد. (همو، ۷۰/۱۱/۱۴). علاوه اینکه معظم‌له یکی از فواید مهم ایجاد وحدت اسلامی و در ادامه به وجود آمدن دنیای یکپارچه اسلامی را پشتیبانی از دولت‌ها و حکومت‌های مختلف اسلامی می‌دانند (۸۵/۱۰/۲۵). بنابراین با توجه به تعریفی که از دنیای اسلام به عنوان «مجموعه‌ای از انسان‌ها که حول محور خدا، قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گرد آمده‌اند» ارائه شده است، ایجاد دنیای اسلام، منافاتی با وجود دولت‌ها و کشورهای اسلامی ندارد. تنها نکته، اسلامی بودن مدل حکومت‌ها و دولت‌ها در جوامع اسلامی است که می‌توان با الگوگیری از انقلاب اسلامی و شاخص‌های حکومت دینی در آن، به عنوان الگوی حکومتی، به تکثیر مدل‌های مختلف حکومت دینی در جهت دستیابی به دنیای اسلام و تمدن اسلامی اقدام کرد: «از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (همو، ۷۵/۹/۱۹).

تحلیل جایگاه امت اسلامی در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی

فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، ناظر به حرکتی است که انقلاب اسلامی در دوره‌های یاد شده و نیز دوره‌های پیش رو باید داشته باشد تا به اهداف و موفقیت‌ها مورد نظر خود در هر مرحله از مراحل چندگانه پیش گفته، نائل آید. بدیهی است که مرحله نهائی هر کدام از فرایندهای پیش گفته، نسبت به مراحل ابتدائی و میانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، چه اینکه کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد. دیگر اینکه در دوره ابتدائی و میانی، هدف حرکت جامعه، به ویژه بر اساس هدایت‌ها و رهبری حضرت امام قدس سره و مقام معظم رهبری دامت‌الله، اولاً بسیط، و ثانیاً شفاف و روشن بود. اما در مرحله نهائی این هدف ابعادی چند وجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. به بیان روشن‌تر، با توجه به گسترش ابعاد کمی و کیفی انقلاب اسلامی در مرحله نهائی و سرایت آن به خارج از مرزهای جغرافیایی با هدف تکثیر الگوی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان و ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در راستای وصول به تمدن الهی، مشکلات متعددی بر سر راه وجود دارد که باید با برنامه ریزی دقیق و رصد این مشکلات و نیز پیش‌بینی راه‌های گذار، به تدبیر آنها پرداخت. بخشی از این مشکلات مربوط به منابع و نرم‌افزارهاست، که راه‌حل آن در گرو کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی است (ن.ک. مشکاتی سبزواری، ۱۳۹۲ الف). همچنین در این مرحله و در مسیر حرکت روبه جلو انقلاب اسلامی، بر سرعت، گستردگی و نیز چرخش تغییرات افزون می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش رو می‌افزاید. به لحاظ ساختاری نیز، جامعه اسلامی در مرحله نهائی، از مزیت نظام‌مند شدن





فعالیت‌ها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وری‌ها، منجر به مسائل و آسیب‌هایی نیز خواهد شد. از طرف دیگر دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیتهای ریشه‌ای‌تر و نیز هماهنگ‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند (ن.ک. مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲-۲۲۳). بخشی دیگر از این مشکلات مربوط به اتحاد مسلمین و نیز دولت‌های کشورهای اسلامی است که نیازمند آگاهی بخشی نسبت به اهداف انقلاب اسلامی در جهت ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی می‌باشند. به بیان دیگر، مرحله ابتدائی و یمانی انقلاب اسلامی درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و در میان مردمان مومن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست، مرحله نهائی اما، پای را از جغرافیای خودی فراتر نهاده و سطح منطقه و بین الملل را شامل خواهد شد. بالطبع مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت، که پیشتر به نظیر آن برخورد نکرده بود و بایستی در صدد پاسخگویی و اشیاع آنها برآید (ن.ک. مشکانی، همان). از جمله این مسائل، مسئله تشتت و اختلافات ظاهری بین مسلمین در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی است که بایستی برای آن برنامه‌ریزی صحیح و دقیق انجام پذیرد، و مهمترین کار در این مرحله زدودن مسائل اختلاف برانگیز و مهیا نمودن بستر وحدت اسلامی و برادری دینی در جهت وصول به امت اسلامی می‌باشد.

برای تبیین فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و نیز جایگاه ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام در آن و تشریح چرایی قرار گرفتن ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در مرحله نهائی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، تحلیل جامعه‌شناختی ذیل می‌تواند راهگشا باشد.

تحلیل جامعه‌شناختی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی و جایگاه امت اسلامی در آن

جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن، دوره‌های متعددی را گذرانده و می‌گذرانند. اولین مرحله را می‌توان جامعه طبیعی و ابتدائی نامید. البته این عنوان را نباید با معنای منفی آن، که برخی از جامعه‌شناسان بکار برده‌اند، خلط نمود. مقصود از جامعه طبیعی در این تحلیل، دوره‌ای از حیات بشری است که موثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه، عوامل طبیعی است؛ لذا شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امرار معاش او نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومت‌ها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیت‌هایی منحصر در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود که در جوامع اسلامی، رهبران دینی برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نرسیده و با ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت پی می‌گیرند. با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به «جامعه مدنی» اما، حکومت اهمیت مضاعفی می‌یابد. البته مفهوم جامعه مدنی در طول تاریخ، تحولات عمده و معانی مختلفی پیدا کرده است. مقصود از جامعه مدنی در این تحلیل عبارت است از جامعه‌ای که حکومت علاوه بر مسئولیت در قبال عوامل بیرونی، در قبال شهروندان مسئولیت‌های گوناگونی همچون به رسمیت شناختن و حفاظت از حقوق مالکیت فردی، احترام به حوزه حقوق خصوصی، خصوصاً حق شهروندان برای مشارکت در بحث عمومی و زندگی سیاسی، را بر عهده دارد (ن.ک. غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص ۲۹-۳۰). اینجاست که متدینان و متولیان دین، به ضرورت در دست





داشتن حکومت و قدرت برای وصول به اهداف خود پی می‌برند و در تکاپوی به دست آوردن حکومت به جنب و جوش درمی‌آیند. بخصوص با گستره شدن وظایف حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیع‌تری از موضوعات اعمال حاکمیت می‌کند و آنگاه که حکومتی غیر دینی (یاضدینی) در جامعه دین‌داران حاکم باشد، به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت و سیاست‌های ضد دینی حکومت و دایره اعمال حاکمیت دین و دینداران بیشتر می‌شود. نتیجه این تعارضات در ایران اسلامی، مرحله ابتدائی انقلاب، یعنی ایجاد انقلاب به وقوع پیوست. بعد از مرحله ابتدائی و نیز در مرحله میانی، جامعه انقلابی ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می‌برد. تنها تفاوت مرحله میانی با مرحله ابتدائی، مواجهه انقلاب با مسائل فزون‌تر و جدی‌تر نسبت به قبل است. پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه جهانی می‌رسد و در آینده جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله نهائی خود، یعنی ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و وصول به تمدن اسلامی وارد می‌شود. نهاد و نهان جامعه جهانی با جامعه مدنی متفاوت بوده و بالتبع نهاد و نهادن مرحله نهائی انقلاب اسلامی با مرحله میانی آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله انقلاب اسلامی با گسترش جغرافیای اهداف خود، با هدف ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی، پای در مرحله جامعه جهانی نهاده، خود را مهیای تدبیر امور در مقیاس بین‌المللی و جهانی می‌نماید (ن.ک. مشکانی، ۱۳۹۲ الف). بدیهی است ورود به جامعه جهانی، قبل از هر چیز نیازمند بستر مناسبی است که انقلاب اسلامی بتواند در آن بستر اهداف خود را پی گیرد. نیز بدیهی است که ایجاد این بستر در گرو همدلی و همسازی کشورهای منطقه، خصوصاً کشورهای اسلامی است و این مهم از طریق گسترش اندیشه وحدت اسلامی و قوت بخشی به جریان‌های فکری تقریبی امکان‌پذیر است.

جایگاه وحدت اسلامی در هندسه انقلاب اسلامی (از ایجاد انقلاب اسلامی تا ایجاد امت اسلامی)

وحدت در جوامع اسلامی و میان کشورهای اسلامی، نه تنها امری ممکن و مطلوب است، که به دلیل آثار و فواید آن، ضرورتی انکار ناپذیر است. پرسش اساسی در این میانه، این است که رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به این مسئله، رویکرد تاکتیکی است یا استراتژیک و راهبردی؟ به نظر می‌رسد رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن به مقوله وحدت مسلمین، رویکردی استراتژیک بوده، به آن به مثابه یک راهبرد اصلی در سیاست خارجی و داخلی می‌نگرد. به بیان روشن‌تر، رویکرد انقلاب اسلامی به وحدت اسلامی، صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الهی دارد. البته این سخن به معنای نفی رویکرد تاکتیکی به مسئله نیست، به این معنا که اگرچه وحدت مسلمین، از اهداف راهبردی انقلاب اسلامی است که به طور وسیع در دراز مدت و قابل دسترسی است، اما امروز با توجه به تهدیدات و چالش‌هایی که نظام سلطه برای انقلاب اسلامی به وجود آورده است، برای تبدیل آن به فرصت، از اقدامات تاکتیکی و عملی نباید غفلت شود (فولادی، ۱۳۸۷).

در اندیشه مقام معظم رهبری نیز، وحدت به مثابه یک «هدف اعلا» و «اصل اسلامی و انقلابی» است و بکارگیری آن در جهت اعتلای اسلام، قرآن و حاکمیت دین و به عنوان یک مسئله استراتژیک، حقیقی و بنیادین مطرح می‌باشد، نه یک امر مصلحتی و گذرا: «امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر وحدت حاصل شده آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و علم به احکام اسلامی دست پیدا کند» (۸۵/۱۰/۲۵). ایشان همچنین در بیان





اهمیت وحدت و اصل بودن آن در اسلام و انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما این مسئله وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی مورد تأکید قرار می‌دهیم» (۶۷۷/۱۹) و در نفی تاکتیکی بودن شعار وحدت اسلامی اضافه می‌نمایند که: «این امر را یک مسئله استراتژیک می‌دانم - یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم - ما این انگیزه صحیح مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم» (۶۹/۱/۲۶).

پس از تحلیل نسبت انقلاب اسلامی و وحدت اسلامی، به رابطه و نسبتی دوسویه و هم‌افزایانه این هر دو دست پیدا می‌کنیم؛ بدین معنا که وحدت اسلامی نقش بسزایی در مراحل مختلف فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی داشته و در طرف مقابل، انقلاب اسلامی نیز عاملی اساسی در جهت تقویت و استمرار وحدت اسلامی بوده است. نقش وحدت اسلامی در انقلاب را در دو سطح ملی و فراملی می‌توان تحلیلی نمود. بدین معنا که از مرحله ایجاد انقلاب اسلامی تا مرحله ایجاد کشور اسلامی نقش وحدت اسلامی، در سطح ملی و سپس در مرحله ایجاد دنیای اسلام و تمدن اسلامی نقش آن در سطح فراملی و بین‌المللی می‌باشد.

مقام معظم رهبری وحدت اسلامی را یکی از پیام‌های عمده انقلاب اسلامی در مراحل مختلف آن قلمداد می‌نمایند (ن.ک. ۶۷۷/۱۹).

تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری مسلمین و ایجاد دنیای اسلام

مسئله احیاء و تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان و در مرحله پیشرفته‌تر آن، تجدید بنا و یا بازسازی امت اسلامی و دنیای اسلام در قرون اخیر از طرف رهبران، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام به منظور رفع



ارزش‌های غربی، بار دیگر به ارزش‌ها و احکام الهی رو کرده‌اند. بر اثر همین رویکرد مسلمانان به اسلام است که هانتینگتون که تا دیروز تصریح می‌کرد در پایان قرن بیستم قضیه اسلام یکسره خواهد شد و کار این تمدن به پایان خواهد رسید، امروز پس از مشاهدات و ملموسات، اعلام می‌کند که من اشتباه کردم و ادامه می‌دهد البته پیش از من افراد دارای اشتها به علم و معرفت نیز دچار چنین اشتباهی شده‌اند، من اکنون باور دارم که تمدن اسلامی، تمدن ماندگار و پایا است (قانع بصیر، ۱۳۷۷: ۷).

رابین رایت، پس از بیان نقش مذهب در عصر حاضر در عرصه سیاسی در کشورهای مختلف و اقبال مردم کشورهای اروپائی، آسیائی و آمریکائی و شبه قاذه هند به مذهب می‌نویسد: تلاش‌هایی که اکنون در جهان اسلام صورت می‌گیرد، نمایانگر نیاز عمیق‌تری نیز هست. نیازی که می‌تواند تاثیر اسلام‌گرایان را گسترده‌تر و پایدارتر سازد، چرا که اسلام تنها دین بزرگ و یکتاپرستی است که نه تنها باورهای معنوی، بلکه مجموعه‌ای از قواعد برای حکومت عرضه می‌دارد. اکنون اسلام گذشته از مبارزات برای کسب جایگاهی در نظم جدید جهانی، با تحولاتی بنیادین روبه‌رو است که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ دانست (رابین رایت، ۱۳۷۲: ۱۲۷).

هرایر دکم‌جیان می‌نویسد: تجدید حیات اسلام و بازگشت به احکام و ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان به چشم می‌خورد. جهان تنها پس از ورود ناگهانی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ دارای یک سلسله حوادث تعیین کننده گردید و واژه بنیادگرایی اسلامی نیز بخشی از فرهنگ و ادبیات سیاسی، پژوهشی و ژورنالیستی غرب شد (دهقان، ۱۳۷۶: ۲۲۲).

محمد آرگون نویسنده مشهور عرب پس از بیان این نکته که امروز میلیون‌ها مسلمان در اندونزی، هند، بنگلادش، پاکستان و ترکیه پناهگاه و مرجع خود در

اسلام جستجو می‌کنند، می‌افزاید: بدون تردید پیروزی آیت الله خمینی در ایران بود که دین را در عرصه‌های عینی مطرح ساخت و استوار گردانید و جایگزین رویکردهای سکولاریستی در انقلاب عربی و سوسیالیستی ساخت، به گونه‌ای که محورهای پیام اسلام معاصر و فرضیه‌ها و موضوعات آن به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم از سوی همه به کار گرفته می‌شود (دهقان، ۱۳۷۶: ۲۲۴).

با توجه به آنچه گفته آمد، تاثیر انقلاب اسلامی بر بیداری مسلمین و نیز اثر مستقیم آن بر گرایش به اسلام و ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، به اعتراف دوست و دشمن تاثیری غیر قابل انکار می‌باشد.

ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی

مسئله دیگری که نیازمند بحث و بررسی است این است که: آیا جمهوری اسلامی ایران ظرفیت لازم برای ایجاد امت اسلامی را دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر: انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی نیازمند چه ساز و کاری است و آیا این سازوکار را فراهم آورده است و یا ظرفیت فراهم‌آوری آن را دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسه، در گرو مروری دیگر بر فرایند تکاملی انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری است تا شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی در بیان ایشان روشن‌تر گردد. معظم‌له در موارد متعددی در این‌باره فرموده‌اند: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شده، انگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، ... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌توان دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (۷۹/۹/۱۲).

ایشان همچنین در بیانی دیگر، گسترش و توسعه انقلاب اسلامی را - برخلاف برخی انقلاب‌ها که از طریق ایجاد فتنه، لشکرکشی و گسترش تروریسم در این



مسیر گام برمی‌دارند - از طریق الگوسازی نظام جمهوری اسلامی برای دیگر کشورهای و ملت‌های دنیای اسلام امکان‌پذیر می‌دانند (۸۷/۳/۱۴).

چنانکه مشهود است، شرط ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی، ایجاد الگو می‌باشد؛ یعنی: «ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حد و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه می‌کنند، شوق پیدا کنند و آن را دنبال کنند» (۸۷/۳/۱۴). بدیهی است حرکت ملت‌ها و کشورهای مسلمان در یک راه و در یک مسیر، مقدمه اتحاد دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی است.

بنابراین باید موقعیت فعلی جمهوری اسلامی مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد هم‌اکنون آن الگو ایجاد شده و انقلاب اسلامی ظرفیت الگو قرار گرفتن برای دیگر جوامع اسلامی را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسه مثبت است. در ادامه به طور مختصر به چند دلیل در این‌باره اشارتی می‌رود و تفصیل سخن به مقال دیگری با همین عنوان احاله می‌گردد.

ظرفیت الگویی انقلاب اسلامی برای جهان اسلام (در راستای ایجاد امت اسلامی)

۱) انقلاب اسلامی از ابتدای پیروزی‌اش تاکنون بر پایه سیاست «نه شرقی - نه غربی» در عرصه جهانی حضور یافته است. تحلیل وضعیت قدرت شرق و غرب (شوروی و آمریکا) به خوبی میزان قدرتی که در برابر آنها قد علم کرده را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، به هر میزان که قدرت آمریکا و شوروی افسانه‌ای تبیین شوند، به همان میزان، قدرت کشوری که در برابر این قدرت افسانه‌ای مقاومت کرده و بدون اتکاء به آنها آرمان‌ها و اهداف خود را محقق کرده، افسانه‌ای خواهد بود. واقعیت این است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی برخی کشورهای توسعه یافته، تجربه تلاش برای

قطع وابستگی به قطب‌های قدرت را داشته‌اند؛ آنها با تمام وجود سیطره قطب‌های قدرت را بر خود و سرنوشت ملتشان حس کرده‌اند و به تجربه وجودی حس می‌کنند که مقاومت در برابر آنها تا چه میزان سخت است. اما آنها در کمال ناپاوری مشاهده کرده‌اند که انقلاب اسلامی به رغم همه فشار وارده از جانب قطب‌های قدرت، به طور نسبی توانسته سایه آنها را از ملت خود و سرنوشتشان کنار بزند. به نظر می‌رسد هر چه زمان این مقاومت طولانی‌تر شود، همزمان ایمان این کشورها به قدرت انقلاب اسلامی افزایش و به قدرت ابرقدرت‌ها کاش می‌یابد. از این‌رو در محاسبه قدرت ایران، باید علاوه بر ایمان ملت ایران به راهی که انتخاب کرده‌اند، ایمان ملت‌های بسیاری از کشورهای جهان دوم و سوم به آن را نیز افزود.

۲) در میان کشورهای جهان، این تنها ایران نیست که با غرب و سیاست‌های آن ناسازگار است، بلکه بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از استکبار غرب بر خودشان نگران هستند. اما از میان همه این کشورها، این تنها ایران است که نوعی مواجهه حداکثری با غرب پیدا کرده است؛ بدین معنا که ایران، نه تنها با سیاست استعماری غرب، بلکه با فرهنگ آن، اقتصاد آن، مبانی معرفتی آن و هر چیزی که به نحوی در استحکام آن مؤثر است، غیریت و ضدیت پیدا کرده است. مواجهه حداکثری با غرب، تجربه زیست‌غیروابسته در جهان پیچیده امروزی را در اختیار ایران قرار داده که هر چند همراه با فشارها، تحریم‌ها و هزینه‌های بعضاً کلان همراه بوده، اما نتایج و دستاوردهای خجسته‌ای را برای آن به ارمغان آورده است. یکی از این دستاوردها، خودباوری عنصر ایرانی است که بسیاری از کشورهای اسلامی از آن محروم هستند. خودباوری ایرانی باعث شده تا ایران ضمن پاسداری از تراث و مآثر خود، بتواند نوعی تجدد بومی را برای خود رقم زند. ممکن است در مقایسه برخی





وجوه تمدنی، ایرانِ پساانقلابی نسبت به برخی کشورهای اسلامی، عقب‌تر باشد، اما مهم این است که رشد و پیشرفت ایران، نه فقط با عنصر ایرانی، بلکه مهمتر از آن با اندیشه ایرانی محقق شده است. این در حالی است که در پیشرفت اغلب کشورهای اسلامی، بیش از آنکه «اندیشه بومی» حضور داشته باشد، «عنصر بومی» حضور دارد. مواجهه حداکثری با غرب باعث شده تا ایران از جوانب مختلف در یک انزوای برنامه‌ریزی شده قرار گیرد. واقعیت این است که تحریم برای کشوری که اراده حرکت کرده، بیش از آنکه نعمت باشد، نعمت است. تجربه کالاهای تحریمی ایران به خوبی گواه است که به شکل ناباورانه‌ای در هر زمینه که ایران بیشتر مورد تحریم قرار گرفته، بیشتر رشد و پیشرفت کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت امروزی جهان اسلام و فقدان الگوی موفق در آن، کشورهای اسلامی برای مواجهه با غرب، چاره‌ای جز استفاده از تجربه و الگوی ایران ندارند؛ الگویی که به اذعان دوستان و دشمنان، در دنیای هرج و مرج گون امروز، توانسته موفقیت‌های درخوری را کسب و در بیش از چهار دهه موجودیت و فعالیت، قدرت برتر منطقه بوده و در در سطح جهانی نیز به یکی از قدرت‌های برتر جهان (قدرت هفتم جهان) تبدیل شود.

۳) انقلاب اسلامی از بدو ظهورش تاکنون مورد تحریم و فشار بین‌المللی بوده است. با این همه، در بسیاری موارد اختلاف میان آن و ابرقدرتها به دلیل قدرت ویژه‌ای که داشته، توانسته از گزینه خود دفاع نماید. قدرت ابرقدرتها به امکانات اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی و سیاسی‌شان می‌باشد، اما قدرت ایران ناشی از باور عمیقش به آمان‌هایش می‌باشد. از جمله آخرین موارد اختلاف جدی بین ایران و غرب، مسأله انرژی هسته‌ای ایران بود، که به رغم همه فشارهای بین‌المللی، ایران به خوبی توانست از آن دفاع نماید و حتی

ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، تاثیری در اراده آن نداشت. به عبارت دیگر، ایران از چنان قدرت چانه‌زنی حتی در شورای امنیت برخوردار است که به راحتی می‌تواند ائتلاف قدرتها را بشکند. بحث حمله به ایران و نیز داستان حمله به سوریه و نمونه‌های متعددی از این دست که به شکست طرف غربی منجر شده، جملگی به دلیل قدرت بالای ایران در چانه‌زنی در دقایق پایانی خود با شکست روبرو شده و اعتبار آمریکا و غرب را به شدت در افکار عمومی دنیا زیر سؤال برده است. اعتبار غرب و آمریکا در این فضا انگاه بیشتر مورد تشکیک و تردید قرار می‌گیرد که هر از چند گاهی مسئولان ایران، تهدیدات آمریکا را در رسانه‌های عمومی به سخره می‌گیرند و طرفه آنکه گاه آنها را تحریک به حمله می‌کنند و از اینکه نمی‌توانند به ایران حمله کنند، تحقیرشان می‌نمایند! در این میان، آیا کدامیک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی منطقه از این امتیاز برخوردارند؟ بدیهی است در این امر نیز نیازمند الگویی از نمونه ایران هستند.

۴) برخی از کشورهای اسلامی ممکن است در برخی از جهات اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای و ... دارای قدرت بیشتری نسبت به ایران باشند، اما هرگز این قدرتشان را در عرض قدرتهای ضد اسلامی نداده‌اند. ملت‌های مسلمان هرگز از اینکه چنین کشورهایی اسلامی به چنین قدرتی دست یابند، خوشحال نخواهند بود؛ چراکه مادام که قدرت اسلامی در برابر قدرتهای ضد اسلامی عیان نشود، انگار که به تعداد قدرتهای جهانی، قدرتی دیگر افزوده شده است و این نه تنها برای ملت‌های هاس تمدیده خوشحال‌کننده نیست، که مایه اضطراب و نگرانی است. آنچه ایران اسلامی را از سایر کشورهای اسلامی متمایز می‌کند، این است که قدرت ایران در عرض قدرتهای استکباری رخ عیان نموده است. برای آنکه بدانیم چه قدرتی در عرض و چه قدرتی در





طول قدرتهای استکباری ظهور یافته‌اند، بهترین روش این است که بدانیم ایا قدرتهای استعماری از ظهور آن قدر استقبال کرده، یا به ستیزش رفته‌اند. به عنوان مثال، پاکستان و ایران به عنوان دو کشوری که دارای نظام جمهوری اسلامی هستند، هر دو مجهز به انرژی هسته‌ای هستند، اما آمریکا به عنوان یک قدرت استکباری از انرژی هسته‌ای پاکستان حمایت می‌کند و از انرژی هسته‌ای ایران نگران است. این بدین معناست که قدرت هسته‌ای پاکستان در برابر قدرت هسته‌ای غرب عیان نشده، بلکه در طول و شاید هم در خدمت آن نمود یافته است. از این‌رو، قدرت ایران از آن‌رو که ظرفیت الگوبخشی به جهان اسلام دارد که حقیقتاً متعلق به جهان اسلام است، نه اینکه ظرفیتی متعلق به خارج از جهان اسلامف اما به ظاهر در درون جهان اسلام باشد!

۵) ظرفیت علمی انقلاب اسلامی ایران به اندازه‌ای است که به رغم همه توجه آگاهانه‌ای که غرب برای سانسور خبری و اعلام نکردن آن دارد، ناگزیر در برابر برخی وجوه آن تسلیم شده است. امروزه ایران در برخی از حوزه‌های علمی، نه فقط در ردیف کشورهای برتر اسلامی، بلکه در رده‌های بالای جهانی قرار دارد. به عنوان مثال ظرفیت علمی ایران در حوزه‌هایی همچون پزشکی، نانو تکنولوژی و ... در مقیاس جهانی و در حوزه‌های نظامی، پتروشیمی، برخی صنایع و ... در مقیاس جهان اسلام، در حد بالایی ثبت شده است. برای نمونه در سالهای اخیر که نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری به وجود آمده، در میان جوانان ایرانی نوعی نشاط علمی با هدف عبور از غرب ایجاد شده است که در آینده نه‌چندان دور، حتماً نتایج مثبتی به بار خواهد آورد. اساساً این که جوانان یک ملتی اراده کرده‌اند که به جای تقلید از غرب، خودشان تولید کنند، بسیار امیدزا می‌باشد. تقریباً همه حاکمان غیر وابسته دنیا، دغدغه دارند تا به جوانان کشورشان روحیه خودباوری را تلقین کنند. نباید پنداشت که

عمومیت یافتن این روحیه در ایران، تصادفی و کم‌اهمیت است. جوانان و حتی خواص برخی کشورهای اسلامی، افقی که برای جوانان ایرانی نزدیک به چشم می‌آید را، تا حدّ محال دور می‌پندارند! توفیق انقلاب اسلامی در جنبش مذکور می‌تواند ظرفیت الگوبخشی آن در حوزه علم را مضاعف نماید.

۶) از زمانی که استعمار کلاسیک قدرت و ثبات یافت و تکنولوژی و صنعت هم مددکار آن شد، بسیاری از استعمارگران دغدغه گسترش مستعمرات خود را تا آنجا پیش بردند که هوس فتح کل جهان را کردند و برای نیل بدین مقصود، تئوری‌هایی تولید کردند. درقرون اخیر حداقل پنج تئوری معروف برای کسب قدرت برتر جهانی ارائه شده است. تسلط بر دریاها، فضا، هلال خصیب (منطقه‌ای هلالی در خاورمیانه)، هفت گردونه آبی مهم دنیا و دارا بودن کمیت بالای انسانی هسته اصلی هر کدام از این تئوری‌ها را به خود اختصاص داده است. شاید هیچ‌کدام از تئوری‌های فوق، مطلق نباشند، اما همه آنها بهره‌ای حق و درستی را در اختیار دارند. واقعیت است که در عصر ما، دریا، فضا، تنگه‌های استراتژیک آبی و ... همه و همه مهم هستند. در میان کشورهای اسلامی، ایران از معدود کشورهایی است که تقریباً از همه عوامل قدرت جهانی بهره‌مند است. این درحالی است که غالب کشورهای مسلمان، فاقد کمیت بالای انسانی، دور از هلال خصیب، فاقد امتیاز کنترل گردنه‌های آبی مهم دنیا و ... می‌باشند. به عبارت دیگر، قدرت نسبی ایران در میان کشورهای اسلامی نیز می‌تواند یکی دیگر از ظرفیت‌های الگوبخش آن برای جهان اسلام باشد (ن.ک. رهدار، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

۷) همه اقوام درون جهت‌گیری‌هایی حرکت می‌کنند که جهان‌بینی‌شان به آنها می‌بخشد. به طور کلی، ملت‌های جهان از سه نوع جهان‌بینی کلی برخوردارند: گذشته محور (مانند مکتب کنفوسیوس و سلفی‌های مسلمان و ...)، حال محور (مانند تمدن فعلی غرب) و آینده محور. گروه اخیر به سه دسته تقسیم می‌شوند: فقط





آینده نگر، آینده نگر و آینده گرا، آینده نگر و آینده گرا و آینده پرداز. در میان ملل و نحل موجود در جهان معاصر، تنها قومی که آینده محور از نوع سوم (آینده پرداز) است، ایران شیعی می‌باشد. در حقیقت اگر دیگران نیز مدعی آینده‌نگری باشند، حرکت آنها «به سوی فردا» می‌باشد، اما آینده‌نگری ایران شیعی از نوع حرکت «برای فردا» است و بین این هر دو تفاوت از زمین تا آسمان است. بی‌شک آینده از آن کشوری است که برای فردا حرکت می‌کند، نه اینکه فقط به سوی فردا حرکت کند. از آنجا که ایران از معدود کشورهایی است که برای فردا حرکت می‌کند، نسبت به دیگر کشورهای اسلامی که عمدتاً به سوی فردا حرکت می‌کنند، از ظرفیت الگوبخشی بالایی برای جهان اسلام برخوردار است (ن.ک. رهدار، همان).

۸) حداقل دو نحوه حضور اسلام در جوامع اسلامی را باید از یکدیگر تفکیک کرد: یکی «اسلام یه مثابه تاریخ» و دیگری «اسلام به مثابه فرهنگ». در بسیاری از بررسی‌هایی که تاکنون درباره وضعیت اسلام در جوامع اسلامی شده، به دلیل عدم تفکیک میام این دو مقوله، خلط مبحث‌های زیادی صورت گرفته است. در این خصوص، توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

الف- هر چند میان تاریخ و فرهنگ ارتباطی وثیق برقرار می‌باشد، با این همه، اینگونه نیست که هر تاریخی تبدیل به فرهنگ شود و یا هر فرهنگی از تبار تاریخی روشنی برخوردار باشد. منطقی‌ترین شکل ارتباط تاریخ و فرهنگ، صورتی است که در آن تاریخ تبدیل به فرهنگ شده باشد. تاریخ فرهنگ شد، همان تاریخ پویا و تاریخ به ثمرنشته می‌باشد. همچنان که بدترین شکل ارتباط این دو نیز، صورتی است که در آن، تاریخ و فرهنگ در تضاد با یکدیگر عمل کنند.



ب- در میان جوامع کنونی اسلامی، برخی از جوامع از تبار تاریخی اسلامی برخوردار هستند، بی‌آنکه دارای فرهنگ اسلامی روشنی باشند. به عنوان مثال، در طول خلافت عثمانی، -حدود شش قرن- کشور ترکیه در جایگاه دال مرکزی جغرافیای جهان اسلام بوده و این مسأله باعث شده تا تاریخ ترکیه به بخش مهمی از تاریخ اسلام تبدیل شود. این در حالی است که به لحاظ فرهنگی، بویژه از زمانی که آتاتورک قانون اساسی ترکیه را قانونی لائیک معرفی کرده، تا امروز که جنبش اسلام خواهی در آن در حال تکون و نضج است، فرهنگ عمومی ترکیه چندان فرهنگ اسلامی نیست. به عبارت دیگر فرهنگ ترکیه در وجه اسلامی خود به اندازه تاریخ آن جلوه‌گری نمی‌کند. این بدین معناست که تاریخ ترکیه به روشنی نتوانسته پشتوانه فرهنگ آن قرار گیرد.

ج- در میان جوامع اسلامی، کمتر کشور وجود دارد که دارای فرهنگ اسلامی باشد، بی‌آنکه از تاریخ اسلامی برخوردار باشد؛ چرا که اساساً فرهنگ، خود مقوله‌ای تاریخی است و نمی‌توان فرض کرد که در جایی فرهنگ بدون حضور تاریخ وجود داشته باشد. چه فرهنگ مولود تاریخ است. البته فرهنگ می‌تواند بیرون از تاریخ یک قوم و توسط یک بیگانه راهبری شود، همچنان که مصادیق زیادی در جهان اسلام می‌توان یافت که به رغم داشتن تاریخ اسلامی، از نداشتن فرهنگ اسلامی در رنج هستند. طرفه اینکه حتی می‌توان کشورهای مثل اسپانیا را یافت که به رغم داشتن تاریخ اسلامی، اینک دارای فرهنگ ضد اسلامی هستند. در جهان امروز کمتر کشور را می‌توان جست که به رغم اینکه دارای تاریخ غیر اسلامی است، به دلیل تاثیرپذیری از تاریخ اسلام در بیرون مرزهای جغرافیایی‌اش، دارای فرهنگ اسلامی باشد.

د) واقعیت این است که کشوری می‌تواند به عنوان الگو به جهان اسلام معرفی گردد که هم دارای تاریخ و هم دارای فرهنگ اسلامی باشد. این



درحالی است که اغلب کشورهای اسلامی مدعی ایجاد امت و تمدن اسلامی، همچون ترکیه که فاقد فرهنگ اسلامی و مالزی که فاقد تاریخ و فرهنگ اسلامی است و نیز کشورهای زیادی همچون عراق، سودان، عربستان، مصر و ... که به رغم داشتن هر دو مولفه (تاریخ و فرهنگ اسلامی) به دلیل اینکه واجد دیگر شرایط لازم برای الگو واقع شدن نیستند، دارای ظرفیت لازم برای این مهم نیستند و نمی‌توانند برای این مقصود در نظر گرفته شوند.

ه) در مقابل، ایران اسلام کشور است که هم به لحاظ تاریخی از تبار اسلامی قوی و دراز مدت برخوردار است و هم به لحاظ فرهنگی، بهره‌افری از اسلام دارد. به لحاظ تاریخی ایران کشوری است که در همان قرن اول توسط مسلمین فتح شده و پس از آن، ایرانیان چه در حوزه مدیریت سیاسی امپراتوری اسلامی (در قامت وزارت، سلطنت و ...) و چه در حوزه مدیریت فکری امت اسلامی، نقش بسزایی داشته‌اند. به عنوان مثال چهار امام فقهی بزرگ اهل سنت، نویسندگان صحاح سته، عمده فلاسفه بزرگ اسلامی، جملگی ایرانی هستند. به لحاظ فرهنگی نیز ایران اسلامی چنان تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی بوده که هیچ نویسنده‌ای - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - در اصالت و اسلامی بودن فرهنگ ایرانی تردید نکرده است. این درحالی است که بسیاری از مولفه‌های فرهنگی ایران متعلق به ایران باستان و قبل از اسلام می‌باشد، به رغم این در مواجهه این مولفه‌ها با اسلام، بیشتر آنها صبغه اسلامی به خود گرفته است.

و) به نظر می‌رسد ایران اسلامی، علاوه بر واجد بودن تاریخ و فرهنگ اسلامی، از دیگر شرایط و ظرفیت‌های لازم برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام نیز برخوردار است، چنانکه در بندهای پیشین به برخی از آنها اشاراتی رفت (ن.ک. رهدار، همان).

۹) علاوه بر موارد فوق، تجربه‌ها و موفقیت‌های سی‌ساله جمهوری اسلامی در اداره قومیت‌های مختلف با مذاهب چندگانه، به روشی نسبتاً عادلانه، ظرفیت دیگری است که کمتر کشور اسلامی از آن برخوردار است. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی دارای چنان ظرفیتی است که توانسته در جریان ایجاد انقلاب اسلامی و مراحل پسین آن، بدون هیچ اعمال زوری، تمامی قومیت‌ها با مذاهب مختلف را، درگیر و سهیم در انقلاب نماید و در ادامه نیز در مراکز حساسی همچون خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ... همه قومیت‌ها و حتی اقلیت‌ها را سهیم و شریک نماید.

این علاوه بر آن است که منابع دینی و فقهی و نیز جهان‌بینی و معارف شیعی، ظرفیتی غیرقابل انکار برای ایجاد وحدت میان آحاد جهان اسلام دارد. چنانکه اولین نادهای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب از حنجره پاک ائمه معصوم شیعه علیهم‌السلام و در ادامه رهبران فقیه شیعی، خصوصاً رهبران انقلاب اسلامی سر داده شده است. همکاری با جامع الازهر توسط آیت الله برورجردی، ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی توسط مقام معظم رهبری (۱۳۶۹/۷/۱۹)، صدور فتاوی عدم ایجاد تفرقه (۱۳۸۶)، دستور پخش اذان به سبک اهل سنت در مراکز سنی نشین (۱۳۸۸)، صدور فتاوی حرمت تکفیر پیروان مذاهب اسلامی و توهین به مقدسات یکدیگر (۱۳۸۸/۲/۲۲)، توسعه دایره شمول ایمان و عدم جواز غیبت از محدوده شیعه امامی به کلیه مسلمین (۱۳۸۹)، صدور فتاوی حرمت اهانت به نمادهای برادران اهل سنت (۸۹/۷/۱۰) و مواردی از این دست که توسط رهبران انقلاب اسلامی، خصوصاً مقام معظم رهبری انجام پذیرفته، ظرفیتی قابل توجه است که در دیگر کشورهای اسلامی و از طرف بزرگان و رهبران آنها، کمتر شاهد اقداماتی از این دست هستیم.

مجموعه‌ای از عوامل فوق و نظایر آنها، محور باعث شده است تا ایران



و انقلاب اسلامی، برای الگوبخشی به جهان اسلام نسبت به بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی ویژه باشد. البته این به معنای نفی ویژگی‌های منحصر به فرد برخی از کشورهای اسلامی نیست. منظور این است که انقلاب اسلامی و ایران با لحاظ مجموعه ویژگی‌هایی که دارد، برای الگوبخشی به جهان اسلام نسبت به دیگر کشورها مستعدتر است.

بر این اساس و با توجه به مجموعه موارد فوق و نظایر آن، به راحتی می‌توان از ظرفیت انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی پرده برداشت. به بیان روشنتر، پس از آنکه معلوم شد، اثبات توانایی انقلاب اسلامی برای ایجاد امت اسلامی و دنیای اسلام، در گرو اثبات ظرفیت آن برای الگو واقع شدن برای جهان اسلام است، مجموعه عوامل پیشگفته و نظایر آنها، ظرفیت الگو واقع شدن انقلاب اسلامی را اثبات می‌نماید. اگر انقلاب اسلامی بتواند الگوی به وجود آمده را به طور صریح و صحیح در اختیار ملت‌های دیگر قرار دهد آنها با شوق و ذوق به دنبال آن حرکت خواهند نمود و نتیجه حرکت در مسیر واحد، به وجد و آمدن «امت واحده اسلامی» خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر کدام از فرایندهای پیشنهادی برای انقلاب اسلامی را که نصب‌العین خویش قرار دهیم، ایجاد امت اسلامی، مرحله نهایی در آنها را به خود اختصاص می‌دهد. از طرف دیگر، دستیابی به دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی، بی‌هیچ شکی در گرو یکپارچگی و وحدت مسلمین می‌باشد. لذا برای جمهوری اسلامی ضروری است که به ترویج گفتمان وحدت اسلامی همت گمارد. نیز دستیابی به دنیای اسلام و امت اسلامی، در گرو ایجاد الگوی صحیح کشور اسلامی و ارائه آن به ملت‌ها و حکومت‌های مسلمان است تا

با پیروی از آن و حرکت در مسیر واحد گام در مرحله ایجاد نیای اسلام و امت اسلامی بگذاریم. انقلاب اسلامی و کشور ایران، به دلایل متعددی ظرفیت لازم برای الگو واقع شدن را داراست. بر این اساس در این مسیر باید از ظرفیت‌های جهان اسلام را شناسایی نموده و از آنها به نحو احسن استفاده نماید. نیز باید آسیب‌ها و تهدیدات این جامعه عظیم را رصد نموده، در صدد حل و رفع آنها برآید. دست‌اندرکاران و مسئولین رده‌های مختلف مرتبط با این موضوع باید توجه داشته باشند که نصب العین قرار دادن دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری و نیز امام خمینی ره، اولین راهبرد آنها می‌باشد. بنابراین باید در مسیر تحلیل و تبیین اندیشه‌های این بزرگواران برای ستیابی به اهداف والای انقلاب اسلامی تلاشی مضاعف بنمایند.



منابع:

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۴)؛ انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، مترجم: محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امام خمینی (۱۳۶۵)؛ صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- پاشایی، محمد (۱۳۸۶)؛ علل پیشرفت و انحطاط جامعه در کلام امام علی (علیه السلام)، قم، انتشارات مشهور.
- جعفرزاده، محمد حسن (۱۳۸۵)؛ نهضت تولید علم با نگاهی به دیدگاه‌های فرهنگستان علوم اسلامی، قم، انتشارات فجر ولایت.
- جمالی، مصطفی (۱۳۸۶)؛ مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری (جزوه)؛ قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیریت جنبش نرم‌افزاری، دفتر پژوهش.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱)؛ صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهقان، حمید (۱۳۷۶)؛ پژوهشی نوپیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات مدین.
- دهقانی، سید جلال (۱۳۸۶)؛ گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محود، دوفصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- رایت، رایین (۱۳۷۲)؛ دموکراسی و غرب، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، شماره اول.
- رهدار، احمد (۱۳۹۱) بررسی تطبیقی ظرفیت ایران و مالزی برای الگویتمدنی جهان اسلام، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره شیخ طوسی، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی (علیه السلام).
- غنی‌نژاد اهری، موسی (۱۳۷۷)؛ جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، تهران، انتشارات طرح نو.
- مشکانی سبزواری، (۱۳۹۲ [الف])، فقه حکومتی نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی؛ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲، ص ۹۷-۱۱۸.
- مقام معظم رهبری، بیانات در مناسبت‌های مختلف، پایگاه اینترنتی: khamenei.ir.
- موثقی، احمد (۱۳۷۸)؛ جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، انتشارات سمت.
- مولانان، حمید (۱۳۸۵)؛ جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر، تهران، انتشارات کیهان.
- مهدوی، اصغرآقا و سعید رجحان (۱۳۹۰)؛ گفتارهایی در فقه سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).



Features and Capabilities of the Islamic Republic of Iran to Bring about Convergence in the Islamic World; Focusing on Imam Khamenei Point of View¹

AbbasAli Meshkani Sabzevari²

Abstract

The creation of the world of Islam and the Islamic nation has given the final stage of the evolutionary process of the Islamic Revolution. On the other hand, the creation of the Islamic nation requires the unity and sympathy of the Muslims of the region and the whole world. Based on this, one of the most important tasks of the Islamic Republic of Iran is to move towards the expansion of the culture of Islamic approximation and unity and the establishment of an Islamic nation in this way. The central question here is what to do to create the Islamic nation, what should be done and what is the solution to create it? The present paper tries to analyze the evolutionary process of the Islamic Revolution, the Islamic nation, and the unity of Muslims, to analyze the three-way ratio of these three concepts. Finally, the creation of the Islamic world and the Islamic nation is largely dependent on the providing of a “correct pattern to the Islamic world”. Due to this reason, the final section of the paper has demonstrated the model's capacities of the Islamic Revolution

1. Date received: 2017/04/09 Date accepted: 2017/05/04

2 Ph.D. at Political Jurisprudence, Moderator and member of the Academic Council of Department of Political Philosophy, Baqer al-Olum University, meshkani.a@chmail.ir



and the Islamic Republic of Iran for the Islamic world. This article is organized by analytical method and through a library study, centered on the views and statements of Imam Khamenei.

Keywords: Islamic Unity, Convergence in the Islamic World, Islamic nation, Evolutionary Process of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran's Capacities

